مسافر مدینه

نویسنده : مهدی آقابابایی

بسم الله الرحمن الرحیم

مسافر مدینه

نویسنده:

مهدی آقابابائی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

مسافر مدینه

مشخصات کتاب

نویسنده : مهدی آقابابایی

ناشر : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

واژگان کلیدی

امام رضا علیه السلام، ولادت، فرزندان، سیره، طب، مناظرات، پندها و اندرزها.

چکیده

جزوه ای که پیش رو دارید پیرامون روش صحیح زندگی کردن و مناظرات و اعتقادات می باشد و دستورات پزشکی که همان طب می باشد در کلام هشتمین امام نور و هدایت می باشد. که اگر کسی سخنان پیشوایان دینی را الگو و سرمشق قرار دهد به گمراهی نمی افتد و در ضلالت به سر نمی برد زیرا دنباله روی صراط مستقیم می باشد.

مقدمه

حضرت امام رضا علیه السلام یکی از دوازده فروغ امامت است که معارف معنوی قرآن و عترت را در مواقع مقتضی به اصحاب و شاگردان خویش تعلیم می‌داد و زمانی در پاسخ به پرسش‌ها پرتو افشانی می‌فرمود و نیز از طریق مباحث علمی و احتجاجات عقیدتی، کلامی و برهانی افاضه می‌فرمود، چنین برنامه هایی موجب گردید تا فرهنگ و اندیشه اسلامی، غنی و پربار گردد، باورها و ارزش‌های دینی حفظ شود. آن ستاره هشتم هدایت از عمده‌ترین پایه‌های دیانت و جوشان‌ترین چشمه‌های حکمت و یقین به شمار می‌رود که اسرار نبوت، ودایع رسالت و امامت بعد از پدر بزرگوارش حضرت امام کاظم علیه السلام به ایشان انتقال یافت. حضرت علی بن موسی‌الرضا علیه السلام فرزند پیشوای پاک و پارسایی است که در فرصت‌های مقتضی به رغم اختناق، فشارهای سیاسی و توطئه‌های گوناگون خلفای خلافکار معاصرش، به نشر احکام و معارف الهی پرداخت و میراث گرانقدری از فرهنگ سترگ اهل بیت علیه السلام را در دسترس علاقه‌مندان، در اعصار بعد قرار داد.

مقام علمی و شخصیت معنوی امام رضا علیه السلام نیز مورد تأیید دوستان و دشمنان بوده و می‌باشد در زمانی که برخی علمای درباری و سیاستمداران منحرف در صدد آن بودند تا در فرهنگ اسلامی خدشه وارد نمایند آن بدر منیر با تعلیمات الهی راه اجداد و نیاکان و پدر پرهیزگارخویش را استمرار بخشید و موازین دینی ناب را از گزند انحراف و زوال رهانید و گام‌های ارزنده و مهمی در جهت تنویر افکار افراد جامعه و آشنایی مردم با چهره واقعی حکّام عباسی و نیز عدم مشروعیت آنان برداشت و لحظه‌ای از پرورش شاگردانی پرمایه، ارشاد مردم، دفاع از حریم حق و مقاومت در برابر باطل، غفلت ننمود و سرانجام در این مسیر به شهادت رسید.

ولادت امام رضا علیه السلام

در روز ۵ شنبه یازدهم ذیقعده سال ۱۴۸ هجری مدینه حال و هوایی دیگر داشت و نه تنها در زمین بلکه از آسمان هم صدای تهنیت گفتن ملائک به گوش می‌رسید و شکوفا شدن غنچهٔ دیگری از گل‌های بوستان ولایت را که فضای عالم را معطر ساخته بود

بشارت می‌داد.

پدر آن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و مادرشان ام‌البنین نجمه (تُکْتَم، طاهره، اروی، سمانه) علیها السلام است. نام مبارکشان علی است و کنیۀ آن حضرت ابوالحسن است و کنیۀ خاصشان ابوعلی است. (۱)

و نام همسر ایشان ام حبیب می‌باشد.

القاب آن حضرت: سراج الله ، نورالهدی، قره عین المؤمنین، مکیده الملحدین، کفو الملک، کافی الخلق ، رب السریر، رئاب التدبیر (به معنای مصلح)، فاضل، صابر، وفی، صدیق، رضی.(۲)

هنگامی که حضرت به دنیا آمد پدرشان حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام دستور دادند فرزندشان را بیاورند.

آن حضرت را در پارچۀ سفیدی پیچیده و به خدمت پدر بردند. آن حضرت در گوش راست حضرت امام رضا علیه السلام اذان و در گوش چپ آن حضرت اقامه فرمود، آب فرات به کام مبارک آن حضرت ریختند و سپس او را به مادر مکرمه‌اش نجمه علیها السلام بر گردانیدند.(۳)

فرزندان حضرت امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام

حضرت امام رضا علیه السلام دارای ۵ پسر به نام‌های محمد القانع (امام جواد علیه السلام)، حسن، جعفر (شاه کرم)(۴) ، ابراهیم، حسین(۵) و دارای یک فرزند دختر به نام فاطمه بنت الرضا علیه السلام بوده‌اند.(۶)

تعداد فرزندان حضرت رضا علیه السلام در کتب شیعه

تذکره الائمه،ص ۱۱۶، کشف الغمه، ج ۳، ص ۵۷، جنات الخلود، ص ۳۳، تحفه العالم، اجساد جاویدان، ص ۸۳-۸۹، بحار الانوار، ج۴۹، ص ۲۳۱، عوالم العلوم، جلد امام رضا علیه السلام ، ص ۳۷۰-۳۷۱، ملحقات احقاق الحق، ج ۱۹، ص ۵۶۸، الدمعه الساکبه فی المصیبه الراتبه، ج ۷، ص ۴۱۹-۴۲۰، فی رحاب ائمه اهل¬البیت علیهم السلام ، ج ۲ ، جزء دوم ، ص ۱۰۴.

ایشان پس از شهادت پدر بزرگوارش در زندان بغداد (سال ۱۸۳ هجری) در سن ۳۵ سالگی عهده دار مقام امامت و ولایت شد. مدت امامت آن بزرگوار ۲۰ سال طول کشید که ۱۰ سال آن با خلافت «هارون الرشید»، ۵ سال با خلافت «محمد امین» و ۵ سال با خلافت «مأمون» معاصر بود.

امام رضا علیه السلام تا آغاز خلافت مأمون در زادگاه خود شهر مقدس مدینه اقامت داشت که پس از به حکومت رسیدن مأمون- با حیله و نیرنگ- به خراسان دعوت شد و سر انجام در آخر صفر سال ۲۰۳ هجری در سن ۵۵ سالگی به واسطۀ زهر مسموم شد و به شهادت رسید.(۷)

مأمون در زمان پدرش هارون از طرف وی، حاکم خراسان بود.

پس از مردن هارون، امین برادر او به خلافت رسید و مأمون با او وارد جنگ شد پس از چندی او را به هلاکت رساند و خلافت را به دست گرفت و مرکز خلافت را از بغداد به مرو منتقل ساخت.

مأمون پس از استقرار حکومتش به دو دلیل با اصرار و پافشاری فراوان امام رضا علیه السلام را به مرو دعوت کرد و ولیعهدی خود را به ایشان واگذار نمود:

خالی بودن دستگاه خلافت از وجود یک رکن مهم علمی و معنوی.

جلوگیری از قیام‌های مردمی به ویژه آل علی علیه السلام .

ابتدا امام رضا علیه السلام پیشنهاد ولایت عهدی را که از جانب مأمون مطرح شد نپذیرفت و روزهای فراوانی این بحث و گفتگو بین امام و مأمون جاری بود تا اینکه مأمون به تهدید نمودن امام متوسل شد و عاقبت امام به ناچار ولایت عهدی مأمون را پذیرفت

اما مشروط به این که کسی را عزل و نصب نکند و در امور حکومتی دخالت ننماید و از دور بر بساط خلافت نظر کند و مأمون هم به این شرایط راضی شد.

دعوت مأمون از امام رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری قمری صورت گرفت و سرانجام امام رضا علیه السلام پس از وداعی پر اشک و آه با قبر شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مردم و خویشان خود، فرزندش محمد علیه السلام ملقب به جواد علیه السلام را در مدینه گذاشت و راهی ایران شد و از خرمشهر به اهواز و سپس از راه اراک، ری و نیشابور مسافرتش ادامه یافت سرانجام روز ۱۰ شوال سال ۲۰۱ هجری قمری این قافله به مرو رسید.

در بین راه از مدینه تا مرو امام رضا علیه السلام در شهرها و آبادی‌ها بین راه با مردم دیدارهائی داشت و از ایشان کرامت‌ها و معجزات فراوانی به وقوع پیوست.

شخصی که از طرف مأمون مأموریت داشت که امام را به مرو بیاورد رجاء بن ابی الضحاک بود پس از رسیدن به مرو مأمون مشاهدات او را در طول سفر پرسید و او نیز به شرح فضائل امام پرداخت اما مأمون او را به سکوت امر کرد و چنین بهانه آورد که من می‌خواهم مردم فضائل ابی الحسن را از زبان خود من بشنوند ولی نه تنها فضائل امام را برای مردم بازگو نکرد بلکه هر از چند گامی شایعاتی از ناحیه او بر علیه امام بر روی زبان‌ها می‌افتاد.

یکی از کارهای مهم حضرت رضا علیه السلام در مرکز خلافت اسلامی این بود که با دانشمندان مختلف آن زمان و رهبران مذاهب غیر اسلامی مناظرات و مباحث علمی فراوانی داشت که مجموعهٔ این مناظرات در کتاب گرانبهای «الاحتجاج» تألیف مرحوم طبرسی از علمای قرن ششم هجری گرد آمده است.

مرحوم شیخ صدوق (قدس سره) احادیث فراوانی که مربوط به امام رضا علیه السلام است یا اینکه از آن حضرت صادر گشته است را در کتاب ارزشمند «عیون اخبار الرضا علیه السلام » را در دو مجلد گرد آوری نموده است.

اخلاق امام

امامان پاک ما در میان مردم و با مردم می‌زیستند، و عملاً به مردم درس زندگی و پاکی و فضیلت می‌آموختند، آنان الگو و سرمشق دیگران بودند، و با آنکه مقام رفیع امامت آنان را از مردم ممتاز می‌ساخت، و برگزیده‌ی خدا و حجت او در زمین بودند در عین حال در جامعه حریمی نمی‌گرفتند، و خود را از مردم جدا نمی‌کردند، و به روش جباران انحصار و اختصاصی برای خود قائل نمی‌شدند، و هرگز مردم را به بردگی و پستی نمی‌کشاندند و تحقیر نمی‌کردند...

هیچ انسانی عادی و معمولی نمی‌تواند جوهره و کُنهِ ذات امامی را که خدای سبحان حجت بر عِباد قرار داده است درک کند. چگونه کسی می‌تواند مکارم اخلاق و فضائل عالیه‌ی ذات مقدسی را درک کند که خدای تعالی او را معصوم از هر لغزش و خطایی قرار داده و چکیده ای از فیض اقدس خود و جوششی از سرچشمه‌ی روح بلند نبوت معرفی کرده است!؟

امام معصومی که از شخصیت و عروق نبوت نشأت گرفته و تا قله‌ی عظیم و با ابهت خلیفه اللهی صعود کره چگونه برای مردم قابل درک خواهد بود؟ که یکی از آن امامان، امام ثامن ضامن، علی بن موسی‌الرضا علیه السلام است.

امام معصومی که در خوی و خلق نمونه‌ی کامل پیغمبر است که از عروق و اعماق جان او روییده است.

کرامات و شرف و عزت او، در صفحات روزگار بر همه کس روشن است.

بهترین شاهد صدق عظمت او، این است که او در تمام صفات مانند خود پیغمبر است.

چون تمام عزت و شرافت در عتبه‌ی مقدسه او نهاده شده است، پادشاهان روزگار، خاک آستان مقدسش را بوسه می‌زنند. عزت و عظمت آن بزرگوار به اندازه‌ای است که حتی دشمنان به آن گواهی داده‌اند.

ابراهیم بن عباس می گوید: من کسی را ندیدم و نشنیدم که افضل از ابی الحسن علی بن موسی‌الرضا علیه السلام باشد زیرا:

هرگز بر کسی تندی نمی کرد.

تا می¬توانست کسی را نا امید بر نمی گرداند.

پایش را در حضور کسی دراز نمی کرد.

در حضور کسی بر چیزی تکیه نمی‌داد.

به غلامان پیش خدمتان ناسزا نمی گفت.

آب دهان و بینی در حضور احدی نمی‌انداخت.

با صدای بلند خنده نمی کرد، خنده‌اش از حد تبسم و لبخند تجاوز نمی کرد.

با بردگان و پیشخدمتان و دربانان بر سر یک سفره می‌نشست.

شب‌ها کم می‌خوابید. و ...(۸)

مردی به او گفت: خوب است برای پیشخدمتان و نگهبانان سفره‌ای جداگانه ترتیب دهید.

امام شمه‌ای از اخلاق امامت را بر او افاضه فرمود که موجب تنویر قلب گردید، از جمله مطالبی که فرمود این بود:

«یا هذا! الربّ واحد، و الاب واحد، والام واحده، و الجزاء بالاعمال».

ای آقا! خدا یکی، پدر همه یکی، مادر همه یکی، ولی پاداش هر کس بستگی به عمل خود انسان دارد.(۹)

روزی سفیان ثوری دید حضرت رضا علیه السلام جامه‌ی گران قیمتی از خز پوشیده بود، در مقام اعتراض بر آمد و به او گفت: «لو لبست ادنی منه لکان احمد» اگر جامه‌ای کمتر و ارزان‌تر می‌پوشیدی خیلی بهتر بود. (در این روزگار نیز کوته نظرانی هستند که نمی‌توانند چیزی را بر کسی ببینند همین که دید کسی لباس به درخوری پوشیده و یا وسیله‌ی سواری مناسبی تهیه کرده آن را حمل بر اسراف کرده و زبان به بدگویی می گشایند به ویژه اگر شخص مورد نظر روحانی باشد در این صورت عمل او را از کفر ابلیس هم بدتر می‌داند).

حضرت بی درنگ جامه‌ی رویین را عقب زد و زیر آن را نشان داد که جامه‌ای از پوست خشنی پوشیده بود، آنگاه به او فرمود: «هذا للناس، و هذا للحق جل شأنه» جامه‌ی رویین برای حفظ آبرو و حیثیت ظاهری و جامه‌ی زیر برای رعایت حق خدای تعالی است.(۱۰)

سفیان ثوری کیست؟

نامش: ابوعبدالله سفیان بن سعید بن مسروق صوفی کوفی، لقب و کنیه‌ی او سفیان ثوری، [فرقه، مذهب و عقیده‌ی] او تماماً به آیین اهل سنت رفتار می‌نمود.(۱۱) محل سکونتش کوفه و بصره بود، و از نوادگان ثور بن عبد مناه می‌باشد و در قرن اول و دوم می‌زیسته است.

او می گوید:

کسی که علی [علیه السلام] را از دیگران به مقام خلافت شایسته‌تر بداند به راستی که ابوبکر و عمر و همه‌ی مهاجر و انصار را خطاکار دانسته است و من تصور نمی کنم با چنین عقیده‌ی فاسدی که دارد هیچ عمل صالحی از او سر بزند. همچنین می گوید: هر کس علی [علیه السلام] را بر ابوبکر و عمر برتری بدهد؛ از آن دو خلیفه و آن کسی که آن‌ها را بر علی [علیه السلام] برتری داده است (پیامبر صلی الله علیه و آله) عیب جویی نموده است.(۱۲)

ویژگی‌ها و خصوصیات امام رضا علیه السلام

در ویژگی‌های آن حضرت سخن بسیار است، و در اینجا با بهره¬گیری از روایات به پاره‌ای از آن‌ها به طور خلاصه اشاره می کنیم:

۱- امام رضا علیه السلام هیچ گاه کلام کسی را قطع نمی کرد.

۲- حاجت کسی را رد نمی کرد.

۴- به غلامان خود ناسزا نمی گفتند.

۵- قهقهه نمی‌زدند.

۶- با زیر دستان بر سر یک سفره می‌نشستند.

۷- بیشتر شب را به عبادت می گذراندند.

۸- بسیار روزه می گرفتند.

۹- صدقات پنهانی می‌دادند.

۱۰- نزد مردم لباس زیبا و نرم ولی در خلوت لباس خشن می‌پوشیدند و روی حصیری می‌نشستند.

۱۱- کم حرف می‌زدند، و هر سه روز یک ختم قرآن تلاوت می‌نمودند.

۱۲- اگر کسی مشغول خوردن غذا بود و حضرت با او کار داشتند، صبر می کردند تا از غذا خوردن فارغ شود و آنگاه او را صدا می کردند، و نیز می‌فرمودند: اگر هنگامی که مشغول غذا خوردن هستید، من وارد شدم، از جای خود بر نخیزید.

۱۳- اگر کارگزاران اجرت کارگری را از اول با او قرارداد نمی‌بستند بسیار ناراحت می‌شدند و می‌فرمودند: اگر با او قرارداد بستید و در آخر همان قدر به او دادید، او خوشحال است که به عهد خود وفا کرده‌اید و اگر مقداری بیشتر به او بدهید خوشحال‌تر می‌شود که بیشتر از مزد به او پرداخته‌اید. اما وقتی با او قرارداد نبندید اگر سه برابر هم به او مزد بدهید، گمان می کند حقش را ادا نکرده‌اید.(۱۳)

پندها و اندرزها

یکی از منت‌هایی که خداوند تعالی بر بندگان خود دارد این است که پیوسته و لاینقطع امام معصومی را به عنوان یک محور در میان آن‌ها قرار داده تا بتوانند با ارجاع مشکلات اخلاقی و دینی خود به او، و دریافت راه حل‌ها و کسب ملکات فاضله و سلوک در طریق ارشاداتی که می کنند به سعادت ابدی برسند، تمام امامان راستین به این وظیفه مهم قیام و اقدام کردند که از آن جمله امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام می‌باشد.

و اینک نمونه‌هایی از مواعظ و نصایح ان حضرت:

۱- امام امین، رفیق، پدر مهربان و چون مادری دلسوز به فرزند خردسال و پناه بندگان خدا می‌باشد.(۱۴)

۲- نماز، زکات، روزه، حج، و جهاد با عقیدهٔ به امامت صحیح می‌باشد.(۱۵)

۳- شیعیان ما خرما را دوست دارند زیرا از طینت ما آفریده شده‌اند.(۱۶)

پاک طینتان و خرما

روزی سلیمان بن جعفر، امام رضا علیه السلام را دید که با اشتها مشغول خوردن خرماست و او را نیز دعوت به تناول فرمود، سلیمان ضمن اجابت دعوت گفت: جانم فدایتان، خرما را با اشتها تناول می کنید؟

حضرت فرمود: «بلی، من خرما را دوست دارم. رسول خدا صلی الله علیه و آله ، علی امیرالمؤمنین علیه السلام ، حسن و حسین علیهما السلام ، سید العابدین علیه السلام ، محمد باقر علیه السلام ، ابوعبدالله (امام جعفر صادق علیه السلام) و پدر بزرگوارم خرما زیاد می‌خوردند، و همان‌طور من و از آنجا که شیعیان ما از طینت ما آفریده شده‌اند، خرما را دوست دارند و لیکن دشمنان ما که

آفریده از آتش¬اند، دوستدار شراب و دیگر مست کننده‌ها هستند.»(۱۷)

۴- صله ارحام کنید گر چه به یک جرعه آب، بهترین مورد صلهٔ رحم باز داشتن آزار و اذیت از ارحام است.(۱۸)

۵- دوست هر شخصی عقل اوست، و دشمن او نادانی اوست.(۱۹)

۶- هر که راضی شد از حق‌تعالی به روزی کم، حق‌تعالی راضی می‌شود از او به عمل کم.(۲۰)

امام در کلام امام

این حدیث خلاصه‌ای است از حدیث مشهور و معروف امام رضا علیه السلام پیرامون امام شناسی که ثقه‌الاسلام کلینی در کتاب شریفش اصول کافی آورده است.

عبدالعزیز بن مسلم گوید: ما در ایام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام در مرو بودیم در آغاز ورود خود، روز جمعه در مسجد جامع گرد آمدیم و در موضوع امر امامت که مورد اختلاف فراوان مردم بود گفتگو کردیم و من شرفیاب حضور سید خود امام رضا علیه السلام شدم و بررسی‌های مردم را در امر امامت به عرض رسانیدم، تبسمی کرد و فرمود: ای عبدالعزیز، این مردم نادانند و از راعی و دین خود فریب خورده‌اند به راستی خدای عزوجل جان پیغمبر خود را نگرفت تا دین را برای او کامل کرد و قرآنی به او فرستاد که شرع هر چیز در آن است، حلال و حرام و حدود و احکام و آن چه مردم بدان نیاز دارند همه را در آن بیان کرده و فرموده:

«ما در این کتاب چیزی را فرو گذار نکردیم».(۲۱)

... به راستی امامت زمام دین و نظام مسلمین و عزت مؤمنین است، امامت بنیاد پاک اسلام و شاخه با برکت آن است، به وسیله امامت نماز و روزه و زکات و حج و جهاد درست می‌شوند، غنیمت و صدقات بسیار می‌گردند، حدود و احکام اجرا می‌شوند، مرزها و نواحی کشور مصون می‌شوند.

امام حلال و حرام خدا را بیان می‌کند و حدود خدا را بر پا می‌دارد و از دین خدا دفاع می‌کند و با حکمت و پند نیک و دلیل رسا به راه خدا دعوت می‌نماید.

امام ماه تابنده، چراغ فروزنده، نور بر افروخته و ستاره رهنما در تاریکی شب‌ها و بیابان‌های تنها و گرداب دریاها است.

امام آب گوارایی است برای تشنگی و رهبر به حق و نجات بخش از نابودی است.

امام کسی است که از گناهان پاک است و از عیوب بر کنار است، به دانش مخصوص است و به حلم و بردباری موسوم، نظام دین است و عزت مسلمین و خشم منافقین و هلاک کفار.

چگونه می‌توانند امام اختیار کنند با آن که امام باید شخصیتی باشد که:

۱-دانا باشد و نادانی نداشته باشد.

۲-راعی و سرپرستی باشد که شانه خالی نکند و نکول ننماید.

۳-معدن قدس و طهارت و نور و زهد و علم و عبادت باشد.

۴-مخصوص باشد به دعوت از طرف رسول خدا و از جانب او معین شود.

۵-از نژاد فاطمه زهراء مطهره بتول باشد.

۶-در نسب او تیرگی و گفتگو نباشد و از بالاترین خاندان در قبیله قریش و کنگره رفیع بنی هاشم و عترت رسول اکرم و پسند خدای عزوجل باشد.

۷-شرف اشراف و زاده عبد مناف باشد.

۸-شکافنده حقایق علم و دارای مقام کامل بردباری و حلم باشد.

۹-مملو از معنویات امامت و دانای به تدبیر و سیاست باشد.

۱۰-واجب الاطاعه باشد و به امر خدا قیام کند.

۱۱-ناسخ بندگان خدا و حافظ دین خدای عزوجل باشد.

به راستی چون خداوند بنده‌ای را برای اصلاح کار بندگان خود انتخاب کند به او شرح صدر عطا کند و در دلش چشمه‌های حکمت و فرزانگی بجوشاند و دانش خود را از راه الهام به او آموزد که در پاسخ هیچ سئوال و پرسشی در نماند و از حق و حقیقت سرگردان نشود، زیرا از طرف خداوند معصوم است و مشمول کمک و تائید او است از خطا و لغزش و برخورد از ناصواب در امان است، خدا او را بدین صفات اختصاص داده تا حجت بالغه بر هر کدام از خلقش باشد که او را درک کند، این فضل الهی است که به هر که بخواهد عطا کند، و خدا صاحب فضل بزرگی است، آیا بشر قادر است که چنین امامی انتخاب کند یا منتخب آن‌ها دارای چنین صفاتی بوده که آن را پیش انداخته‌اند به حق خانه خدا که تعدی کردند و قرآن را پشت سر انداختند، مثل اینکه مطلب را نمی‌دانند، هدایت و شفا در کتاب خداست که پشت بدان دادند و پیرو هوای خود شدند و خدا آن‌ها را نکوهید و دشمن دانست و بدبخت ساخت و فرمود: «کیست گمراه‌تر از آن که پیرو هوس خویش است، بدون رهبری از جانب خدا، به راستی خدا مردم ستمکار را هدایت نمی کند».(۲۲)

فرمود: «بزرگ است در دشمنی نزد خدا و آن‌ها که گرویدند، همچنان خدا بر دل هر متکبر جباری مهر زند»(۲۳) و (۲۴)

فضیلت گریستن بر حضرت سید الشهداء علیه السلام

حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند: «ای پسر شبیب، محرم ماهی است که مردم جاهلیت در گذشته همواره حرمت آن‌را نگاه می‌داشتند و به خاطر احترامش ستم و جنگ را در آن حرام می‌دانستند، اما این امّت نه حرمت ماه و نه حرمت پیامبر خود را نگاه داشتند، و در این ماه ذریه او را کشتند، زنانش را اسیر کردند، و اثاث او را به غارت بردند، خداوند هرگز آن‌ها را نیامرزد.

ای پسر شبیب، اگر می‌خواهی برای چیزی گریه کنی برای حسین بن علی علیهما السلام گریه کن، زیرا او را مانند گوسفند ذبح کردند و هجده مرد از خاندانش با او کشته شدند که در روی زمین مانند آن‌ها نبود. برای کشته شدن او هفت آسمان و زمین گریستند، و چهار هزار فرشته برای یاری او به زمین آمدند، چون او را کشته یافتند پیوسته نزد قبر آن حضرت تا هنگام ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آشفته موی و گرد آلود بمانند، پس از یاران او خواهند بود، و شعار آن‌ها یا لثارات الحسین است، یعنی ای انتقام گیرندگان خون حسین علیه السلام بپا خیزید.

ای پسر شبیب، پدرم از پدرش از جدش حدیث کرد که: چون جدم حسین علیه السلام کشته شد از آسمان خاک و خون سرخ بارید.

ای پسر شبیب، اگر بر حسین علیه السلام گریه کنی چندان که اشک تو بر گونه‌هایت روان گردد، خداوند هر گناهی که کرده باشی، کوچک یا بزرگ، اندک یا بسیار بیامرزد.

ای پسر شبیب، اگر دوست داری که خداوند متعال را ملاقات کنی در حالی که گناهی بر تو نباشد، حضرت حسین علیه السلام را زیارت کن.

ای پسر شبیب، اگر دوست داری در غرفه‌های بهشتی هم‌نشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خاندانش باشی، کشندگان حضرت امام حسین علیه السلام را لعنت کن.

ای پسر شبیب، اگر می‌خواهی که ثوابت مانند ثواب کسانی باشد که با حضرت حسین علیه السلام شهید شدند هر گاه یاد او کنی، بگو: «یا لَیْتَنی کُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزُ فُوزاً عَظیما». کاش با آن‌ها بودم و به رستگاری بزرگ نائل می‌شدم.ای پسر شبیب، اگر دوست داری که در درجات بالای بهشت با ما باشی، برای اندوه ما اندوهناک و از شادی ما شادمان باش، و بر تو باد ولایت و دوستی ما، که اگر

مردی سنگی را دوست بدارد خدا او را در روز قیامت با آن سنگ محشور گرداند».(۲۵)

«مَنْ زارَ قَبْرَ الْحُسَیْنِ علیه السلام بِشَطِّ الْفُراتِ، کانَ کَمَنْ زارَاللّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ».(۲۶)

هر مؤمنی که قبر امام حسین علیه السلام را کنار شطّ فرات در کربلاء زیارت کند همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد.

«یُؤْخَذُالْغُلامُ بِالصَّلاهِ وَهُوَابْنُ سَبْعِ سِنینَ.»(۲۷)

پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند.

«رَحِمَ اللّهُ عَبْدا احْیی امْرَنا، قیلَ: کَیْفَ یُحْیِی امْرَکُمْ؟ قالَ علیه السلام : یَتَعَلَّمُ عُلُومَنا وَ یُعَلِّمُها النّاسَ.»(۲۸)

رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده نماید، سؤال شد: چگونه؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد.

«مَنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلی مایُکَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلْیَکْثُرْ مِنْ الصَّلوهِ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإنَّها تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْما.»(۲۹)

کسی که توان جبران گناهانش را ندارد، زیاد بر حضرت محمّد و اهل بیتش علیهم السلام صلوات و درود فرستد، که همانا گناهانش اگر حق‌الناس نباشد محو و نابود گردد.

«المَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهیرٌ وَ رَحْمَهٌ وَلِلْکافِرِ تَعْذیبٌ وَ لَعْنَهٌ، وَ إنَّ الْمَرَضَ لایَزالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتّی لایَکُونَ عَلَیْهِ ذَنْبٌ.»(۳۰)

مریضی، برای مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش می‌باشد و برای کافر عذاب و لعنت خواهد بود. مریضی، همیشه همراه مؤمن است تا آن که از گناهانش چیزی باقی نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد.

«إذَا اکْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلا یَدَعْ انْ یَأکُلَ بِاللَّیْلِ شَیْئا، فَإنَّهُ اهْدَءُ لِنَوْمِهِ، وَ اطْیَبُ لِلنَّکْهَهِ.»(۳۱)

وقتی که مرد به مرحله پیری و کهولت سنّ برسد، حتماً هنگام شب قبل از خوابیدن مقداری غذا تناول کند که برای آسودگی خواب مفید است، همچنین برای هم خوابی و زناشوئی سودمند خواهد بود.

«السَّخِیُّ یَاکُلُ طَعامَ النّاسِ لِیَاکُلُوا مِنْ طَعامِهِ، وَالْبَخیلُ لایَاکُلُ طَعامَ النّاسِ لِکَیْلایَاکُلوا مِنْ طَعامِهِ.» (۳۲)

افراد سخاوتمند از خوراک دیگران استفاده می¬کنند تا دیگران هم از امکانات ایشان بهره گیرند و استفاده کنند؛ ولیکن افراد بخیل از غذای دیگران نمی¬خورند تا آن‌ها هم از غذای ایشان نخورند.

«شیعَتُنا الْمُسَلِّمُونَ لاِمْرِنا، الْآخِذُونَ بِقَوْلِنا، الْمُخالِفُونَ لاِ عْدائِنا، فَمَنْ لَمْ یَکُنْ کَذلِکَ فَلَیْسَ مِنّا.» (۳۳)

شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی در عمل و گفتار خود قرار دهند، مخالف دشمنان ما باشند و هر که چنین نباشد از ما نیست.

«مَنْ تَذَکَّرَ مُصابَنا، فَبَکی وَ ابْکی لَمْ تَبْکِ عَیْنُهُ یَوْمَ تَبْکِی الْعُیُونُ، وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسا یُحْیی فیهِ امْرُنا لَمْ یَمُتْ قَلْبُهُ یَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.»(۳۴)

هر که مصائب ما اهل بیت عصمت و طهارت را یادآور شود و گریه کند یا دیگری را بگریاند، روزی که همه گریان باشند او نخواهد گریست، و هر که در مجلسی بنشیند که علوم و فضائل ما گفته شود همیشه زنده دل خواهد بود.

«إذا کَذِبَ الْوُلاهُ حُبِسَ الْمَطَرُ، وَ إذا جارَالسُّلْطانُ هانَتِ الدَّوْلَهِ، وَ إذا حُبِسَتِ الزَّکاهُ ماتَتِ الْمَواشی.»(۳۵)

هرگاه والیان و مسئولان حکومت دروغ گویند باران نمی‌بارد، و اگر رئیس حکومت، ظلم و ستم نماید پایه‌های حکومتش سست و ضعیف می‌گردد؛ و چنانچه مردم زکات و خمس مالشان را نپردازند چهارپایان می‌میرند.

«الْمَلائِکَهُ تُقَسِّمُ ارْزاقَ بَنی آدَمِ ما بَیْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إلی طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نامَ فیما بَیْنَهُما نامَ عَنْ رِزْقِهِ.» (۳۶)

ما بین طلوع سپیده صبح تا طلوع خورشید ملائکه الهی ارزاق انسان‌ها را سهمیه بندی می‌نمایند، هرکس در این زمان بخوابد غافل و محروم خواهد شد.

«مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ.» (۳۷)

هرکس مشکلی از مؤمنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و راضی می گرداند.

«ما مِنْ عَبْدٍ زارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ، فَقَرَأَ عَلَيْهِ (إنّا أَنْزَلْناهُ فی لَيْلَةِ الْقَدْرِ) سَبْعَ مَرّاتٍ، إلاّ غَفَرَاللّهُ لَهُ وَلِصاحِبِ الْقَبْرِ.»(۳۸)

هر بنده‌ای از بندگان خداوند بر قبر مؤمنی جهت زیارت حضور یابد و هفت مرتبه سوره مبارکه إنّا أنزلناه را بخواند، خداوند متعال گناهان او و صاحب قبر را مورد بخشش و آمرزش قرار می‌دهد.

«خَيْرُ الاَعْمالِ الْحَرْثُ، تَزْرَعُهُ فَيَأكُلُ مِنْهُ الْبِرُّ وَ الْفاجِرُ، أمّا الْبِرُّ فَما أكَلَ مِنْ شَيْیءٍ إسْتَغْفَرَ لَکَ، وَ امَّاالْفاجِرُ فَما أكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْیءٍ لَعَنَهُ، وَ يَأكُلُ مِنهُ الْبَهائِمُ وَالطَّيْرُ.» (۳۹)

بهترین کارها، شغل کشاورزی است، چون که در نتیجه کشت و تلاش، همه انسان‌های خوب و بد از آن استفاده می کنند. امّا استفاده خوبان سبب آمرزش گناهان می‌باشد، ولی استفاده افراد فاسد و فاسق موجب لعن ایشان خواهد شد، همچنین تمام پرنده‌ها و چرندگان از تلاش و نتیجه کشت بهره مند خواهند شد.

«مَنْ تَرَکَ السَّعْیَ فی حَوائِجِهِ يَوْمَ عاشُوراء، قَضَی اللّهُ لَهُ حَوائجَ الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ، وَ قَرَّتْ بِنا فِی الْجِنانِ عَيْنُهُ.» (۴۰)

هرکس روز عاشورای امام حسین علیه السلام دنبال کسب و کار نرود (و مشغول عزاداری و حزن و اندوه گردد)، خداوند متعال خواسته‌ها و حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می‌نماید؛ و در بهشت چشمش به دیدار ما - اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - روشن می گردد.

فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام

پیام حضرت به شیعیان

احمد بن محمد بن ابی نصر بزنطی گفت: در کتاب حضرت ابی الحسن الرضا علیه السلام خواندم که آن حضرت مرقوم فرموده بودند: «برسان به شیعیانم که زیارت من نزد خداوند تبارک تعالی معادل با هزار حج است، می گوید: به حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردم: معادل با هزار حج است؟ حضرت فرمودند: بلی، به خدا قسم کسی که ایشان را زیارت کند در حالی که عارف به حقش باشد ثواب یک میلیون حج به او داده می‌شود.» (۴۱)

شاهدان اعمال

موسی بن سیار می گوید: با امام رضا علیه السلام در مکانی مشرف بر باغ‌های طوس بودیم، صدائی را شنیدیم و به دنبال صدا رفتیم، جنازه‌ای را دیدیم که تشیع می‌شد به همراه آن‌ها حرکت کردیم، سپس امام رو به من کردند فرمودند: ای موسی بن سیار! کسی که جنازه دوستی از دوستان ما را تشیع کند، او از گناهانش رهائی می‌یابد و مانند روزی که از مادر متولد شده هیچ گناهی برایش نخواهد بود، هنگامی که جنازه به کنار قبر رسید، رو به مردم کرد و آنان را به کناری دعوت کرد، دست بر سینهٔ آن جنازه گذاشت و سپس فرمود: ای فلانی، پسر فلانی، بهشت بر تو بشارت باد که بعد از این ساعت بر تو ترسی نیست.

به امام عرض کردم: فدایت شوم آیا این مرد را می‌شناسی؟ به خدا قسم این سرزمینی است که قبل از امروز بر آن قدم ننهاده‌اید.

امام علیه السلام فرمود: ای موسی! آیا نمی‌دانی که اعمال شیعیان ما هر صبح و شام بر ما ائمه عرضه می‌شود اگر در اعمال آن‌ها تقصیر و کوتاهی باشد از خدای متعال برای صاحبش طلب بخشش می کنیم و اگر در اعمال آن‌ها علو و ارتقاء باشد از خداوند برای صاحبانش طلب شکر (و پاداش) می نماییم. (۴۲)

امید است اعمالی انحام دهیم که وقتی بر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می گردد سبب خوشحالی آن حضرت شود و نامهٔ اعمالمان به رضایت ایشان ممهور گردد.

رهنمودهای طبی و بهداشتی حضرت امام رضا علیه السلام

یکی از آثار برجسته‌ی حضرت امام رضا علیه السلام رسالهٔ ذهبیه طبیّه است که حضرت املاء فرموده‌اند. اکنون ما شمه‌ای از مواد دستورات طبی امام را برای حفظ بهداشت و سلامتی برای خوانندگان می‌آوریم تا که سرمشق زندگی قرار دهند و به سلامت زیست کنند.

۱- هنگام غذا خوردن باید ابتدا غذای سبک و رقیق بخورید و آنگاه غذاهای سنگین و بطیء الهضم. (دیر هضم).

۲- در فصل بهار با گوشت‌های لطیف و تخم مرغ نیم پخته بخورید و از خوردن پیاز و ترشی پرهیز کنید. موقع خوردن مسهل در فصل بهار است- در آخر بهار چیزهای شور و گوشت گاو و شیر نخورید.

۳- در اول ماه تابستان سبزی‌های سرد مثل کاسنی و خُرْفه و شیر خشت و میوه‌های تر و گوشت گوسفند دو ساله و گوشت مرغ تیهو و دُراج و ماهی تازه بی نمک و شیر بخورید و از بوئیدن و استعمال مشک و عبیر خودداری کنید که سبب درد چشم و زکام می‌شود. میوه‌های تر رفع یبوست و ترشی‌ها رفع صفرا می‌کند، ماهی تازه بی نمک نسبت به سایر گوشت‌ها سرد و دفع گرمی هواست و شیر و ماست هم حرارت را تبدیل می‌کند.

۴- در ماه دوم تابستان هر بامداد ناشتا آب سرد بنوشید و از دویدن و ورزش و ارتکاب عملیات دشوار خود داری کنید.

۵- در اول ماه پائیز خیار و خربزه بخورید و در ماه آخر پائیز کرفس و نعناع و تره و ترتیزک بخورید.

۶- در ماه دوم زمستان بامدادان ناشتا آب گرم بنوشید و کرفس و تزتیزك و تره بخورید و هر بامداد استحمام کنید و بر خود عطر بمالید و سر نتراشید و ماهی تازه و شیر بخورید و ورزش بسیار کنید.

۷- قدرت و استقامت بدن مربوط به خواب است ابتدای خواب پهلوی راست و سپس به پهلوی چپ بخوابید. (امروزه ثابت شده که به پهلوی چپ خوابیدن باعث هضم زودتر غذا می‌شود).

۸- شب‌ها زود بخوابید بلکه دو ساعت پس از صرف شام بیدار باشید.

۹- دندان‌ها را زیاد مسواك نمایید تا لثه‌ها چرك نگیرد و سست نگردد و برای سفیدی دندان کف دریا و نمک ترکی را متساوی الوزن بگیرید و بکوبید و هر روز بر دندان بمالید.

۱۰- انار ترش و شیرین سبب تقویت خون و بدن است.

۱۱- خوردن تخم مرغ زیاد سبب مرض سپرز و تولید باد در معده می گردد.

۱۲- با معده پر به حمام نروید زیرا مرض قلبی تولید می کند.

۱۳-گوشت را نیم پخته نخورید زیرا کرم در معده تولید می‌شود.

۱۴- آب سرد پس از غذای گرم نخورید زیرا سبب ضعف دندان می‌شود.

۱۵- روی غذا آب ننوشید تا معده فاسد نگردد و اگر بنوشید علاوه بر فساد معده رگ‌ها مواد غذایی را نمی‌توانند از معده بگیرند و غذا و معده هر دو خام می‌شوند.

۱۶- هفت عدد مویز ناشتا بخورید که برای تقویت عقل خوب است.

۱۷- ریشه هلیله با نبات بخورید که بری تقویت عقل خوب است.

۱۸- مداومت در خوردن عسل هر بامداد در تابستان ممانعت از ابتلاء به زکام می کند.

۱۹- مبتلایان به سر درد و ذات الجنب در تابستان ماهی تازه بخورند نافع است.

۲۰- مداومت بر خوردن سیر در هر هفته یک مرتبه مانع از این است که بادها به بدن گزند رسانند.

۲۱- شخص مسافر لازم است در حین مسافرت آب غوره و آب سرکه و زیتون خام بخورد. (۴۳)

اکمال دین در لحظه وفات رسول صلی الله علیه و آله

عبدالعزیز مسلم می گوید: در یکی از روزهایی که در مرو خدمت حضرت رضا علیه السلام بودیم، جمعه‌ای در مسجد جامع اجتماع کردیم. در این بین از امامت و کثرت اختلاف مردم در این موضوع سخن به میان آمد.

خدمت امام علیه السلام رسیدم و از مباحثات مردم، با وی گفتگو کردم. امام رضا علیه السلام تبسمی کرد و فرمود: ای عبدالعزیز! این قوم، نادانند و در آراء و نظریه‌ها، مکر و فریب و خدعه خورده و غافل گشته‌اند.

خداوند متعال، پیامبر خود را هنگامی قبض روح کرد که دینش را کامل گردانیده و قرآن را که در آن بیان هر چیزی و حلال و حرام و حدود و احکام و آنچه مردم بدان نیاز دارند، به طور کامل هست نازل فرمود.

و آن خداوند متعال می‌فرماید: ما فرطنا فی الکتاب من شیء. در حجه الوداع، که روزهای آخر عمر پیامبر صلی الله علیه و آله است، پروردگار متعال آیه شریفه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً». (۴۴) را نازل فرمود و نعمت خود را تمام کرد.

امر امامت، اتمام دین است که دین به وسیله آن کامل گردد و حضرت رسول صلی الله علیه و آله قبل از این که از جهان خاکی رخت بر بندد، معالم دینش را برای مردم بیان فرمود و راهش را نشان داد و خود به قصد خداوند، آنان را ترک کرد.

آن حضرت صلی الله علیه و آله ، علی بن ابیطالب علیه السلام را برای مسلمانان پیشوا و راهنما قرار داد و هر چه را که بدان نیاز داشتند بر ایشان بیان فرمود. هر کس گمان کند که خداوند، دین خود را کامل نکرده است، کتاب خداوند را انکار نموده و هر کس کتاب خدا را انکار کند، کافر است. آیا این مردم، قدر امام را و موقعیت او را در میان امت دانند تا در مورد انتخابش اختیار داشته باشند؟

امامت به اندازه‌ای مقامش بلند و جایگاهش رفیع و باطنش عمیق است که عقول مردم، کنه و حقیقت آن را درک نکند و با رای نظر خود نتوانند آن را ادراک آورند، و یا با اختیار و انتخاب خود امامی را بر گزینند.

امامت، مقامی است که ابراهیم خلیل علیه السلام از طرف خداوند بدان رسید، و این مقامی بود که پس از نوبت و خلت به آن حضرت تفویض شد.

مقام امامت، سومین مقام ابراهیم علیه السلام بود، از طرف پروردگار به وی تفویض شد و این خود، فضیلتی بود که ابراهیم علیه السلام بدان مشرف گردید.

خداوند متعال فرمود: «انی جاعلک للناس اماما»(۴۵) و ابراهیم علیه السلام از روی خوشحالی پرسید: و من ذریتی؟

و خداوند در پاسخ فرمود: «لا ینال عهدی للظالمین».

این آیه شریفه، امامت ستمکاران را تا روز قیامت باطل و آن را در برگزیدگان منحصر فرموده است. پس از آن، خداوند متعال امامت را گرامی داشت و آنرا در ذریه ابراهیم علیه السلام که پاک و برگزیده بود، قرار داد.

پس، فرمود: «و وهبنا له اسحاق و یعقوب نافله و کلا جعلنا صالحین» (۴۶) و «جعلنا ائمه یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقم الصلوه و ایناء الزکوه و کانوا لنا عابدین.» (۴۷)

مقام امامت در ذریه آن حضرت باقی ماند و این مقام را از یکدیگر به ارث بردند تا نوبت به رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید.

خداوند متعال در این باره فرماید: «ان اولی الناس بابراهیم للذین اتبعوه و هذا النبی و الذین آمنوا والله ولی المؤمنین.» (۴۸)

مقام امامت، مخصوص رسول اکرم صلی الله علیه و آله بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز این مقام را به علی علیه السلام تفویض فرمود: این عمل به امر پروردگار و ادامه سنت مفروض و الهی بود. پس از علی علیه السلام ، مقام امامت در ذریه آن حضرت که از برگزیدگان بودند، قرار یافت، برگزیدگانی که علم و ایمان از طرف خداوندی بدان‌ها عطا شده که قرآن فرماید: «و

قال الـذین اوتو العلم والایمان لقـد لبثتم فی کتاب الله الی یوم البعث» (۴۹) امامت تا روز قیامت در فرزندان علی علیه السـلام خواهد بود؛ زیرا پس از محمد صلی الله علیه و آله ، پیامبری نیست؛ حال، این مردمان نادان، چگونه می‌توانند امام خود را برگزینند؟

امامت، مقام انبیا و میراث اوصیاست.

امامت، خلافت خدا و رسول و مقام امیرالمؤمنین و میراث حسن و حسین علیهما السلام است.

امامت، زمام دین و نظم جامعه مسلمین و اصلاح امور دنیا و عزت مؤمنان است.

امامت، ریشه و شاخه بالنده دین اسلام است.

تمام و کمال نماز و زکات و روزه و حـج و جهاد و برکت اموال فی و صـدقات، و امضای حدود و احکام، و حفظ ثغور و مرزها، به امام است.

امام، حلال خداونـد را حلال، و حرامش را حرام کنـد و حدود خداوند را اقامه نماید، و از دین پروردگار دفاع و مردم را با حکمت و موعظه حسنه و حجت بـالغه به سوی پروردگـار دعوت کنـد. امـام، ماننـد آفتـاب درخشان است که روشـنایی آن همه عالم را فرا گرفته و خود در جایی بلند است که دست احدی به آن نرسد و دیدگان را توان یافتنش نیست.

امـام، چون کـاه تابـان و نور فروزان و چراغ درخشـان و سـتاره راهنمـا در شب‌هـای تاریـک و رهگـذر شـهرها و بیابان‌هـا و گرداب دریاهاست.

امام، آب گوارای تشـنگان و دلیل هدایت و نجات از هلاکت است. امام، مانند آتشـی در بلندی است که مردم از آن هدایت گیرند و گرمایی است که به آن خود را گرم کنند.

امام، راهنمایی است که آدمی را از مهلکه‌ها نجات بخشد که هر کس او را ترک کند، در هلاکت گرفتار افتد.

امام، ابر بارنده و باران شتابنده و آفتاب فروزان و زمین هموار و چشمه جوشان و آب گاه و گلستان است.

امام، امین رفیق و پدر مهربان و برادر شفیق و پناه بندگان در مصیبت‌های بزرگ باشد.

امام، امین خدا در زمین و حجت پروردگار در بندگان و جانشین او در شهرهاست و داعی به سوی اوست و مدافع حرمتش.

امـام، از گنـاه پـاک و از هر عیب و نقصـی منزه است. او مخصوص به علم، و موسوم به حلم، و حـافظ نظام دین و عزت مسـلمین، و خشم بر منافقان و هلاک کافران است.

امام، یگانه روزگار است که کس با او قرین نباشـد و عالمی با وی برابری نکند. چون او کسـی نیست و نه بدلی دارد و نه مثلی و نه نظیری .

امام، فضل و دانش را بدون کسب و تعلیم فراگیرد و خداوند وهاب علم را به او عطا کند.

پس چه کسـی توانـد امام را بشـناسد و یا او را انتخاب کنـد؟ هیهات! هیهات! عقول مردم در این وادی سـرگردان، و اندیشه آنان از درک حقایق ناکام است. (۵۰)

پاسخ امام علیه السلام به چند پرسش

خدا چگونه و کجاست؟

امـام فرمود: اساساً این تصوری غلط است، زیرا خداونـد مکان را آفریـد و خود مکان نـداشت، و چگونگی‌ها را خلق کرد و خود از چگونگی (و ترکیب) بر کنار بود، پس خـدا با چگونگی و مکان شـناخته نمی‌شود، و به حس در نمی‌آید، و به چیزی قیاس و تشبیه نمی‌گردد.

چه زمانی خدا به وجود آمده است؟

امام: بگو چه زمانی نبوده تا بگویم چه وقت به وجود آمده است.

- چه دلیلی بر حدوث جهان (یعنی اینکه جهان قبلاً نبوده و مخلوق است) وجود دارد؟

امام: نبودی سپس به وجود آمدی، و خود می‌دانی که خود را نیافریده‌ای و کسی که مانند توست نیز ترا به وجود نیاورده است.

ممکن استخدا را برای ما توصیف کنید؟

امام: آنکه خدا را با قیاس توصیف کند همیشه در اشتباه و گمراهی است و آنچه می گوید ناپسند است، من خدا را به آنچه خود تعریف و توصیف فرموده است تعریف می‌کنم بدون آنکه از او رؤیتی یا صورتی در ذهن داشته باشم: «لا یدرک بالحواس»خدا با حواس آفریدگان درک نمی‌شود، «و لا یقاس بالناس» به مردم قیاس نمی‌شود، «معروف بغیر تشبیه» بدون تشبیه شناخته می‌شود، در عین علو مقام به همه نزدیک است، بدون آنکه بتوان همانندی برای او معرفی کرد، به مخلوقات خود مثال زده نمی‌شود، «و لا یجور فی قضیته» در حکم و قضاوت خود بر کسی ستم نمی‌کند...به آیات و نشانه‌ها شناخته می گردد. (۵۱)

آیا ممکن است زمین بدون حجت و امام بماند؟

امام: اگر یک چشم بر هم زدن زمین از حجت‌خدا و امام خالی بماند همه‌ی زمینیان را فرو خواهد برد.

ممکن است در باره‌ی فرج (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) توضیح بدهید؟

امام: آیا نمی‌دانی که انتظار فرج جزو فرج است؟

-نه نمی‌دانم مگر به من بیاموزی!

امام: آری، انتظار فرج از فرج است. (۵۲)

ایمان و اسلام چیست؟

امام: حضرت باقرالعلوم علیه السلام فرمودند: ایمان مرتبه‌ای بالاتر از اسلام، و تقوی مرتبه‌ای برتر از ایمان و یقین مرتبه‌ای برتر از تقوی است، و چیزی کمتر از یقین میان مردم تقسیم نشده است.(۵۳)

یقین چیست؟

امام: توکل به خدای متعال و تسلیم در برابر اراده و خواست او، و رضایت به قضای الهی، و واگذاری امور خویش به خدا (و از او مصلحت‌خواستن) (۵۴)

عجب (خود بینی و خود پسندی) که عمل را از بین می‌برد چیست؟

امام: عجب درجاتی دارد، از جمله آنکه کار زشت در نظر بنده جلوه می‌کند و آن را نیکو می‌پندارد و از آن خشنود می‌شود و گمان می‌کند کار خوبی انجام داده است، و از جمله آنکه بنده به خدای خود ایمان می‌آورد آنگاه بر خدا منت می گذارد، در حالی¬که منت گذاشتن حق خداست.(۵۵)

آیا حضرت ابراهیم علیه السلام که گفت: «و لکن لیطمئن قلبی» در دل خود تردیدی داشت؟

امام: نه ابراهیم علیه السلام یقین داشت، و منظورش این بود که خدا بر یقین او بیافزاید.(۵۶)

چرا مردم از حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام دوری کردند و به غیر او روی آوردند با آنکه سابقه‌ی فضائل آن حضرت و مقام و منزلت او نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم معلوم و آشکار بود؟

امام-چون امیر مؤمنان علیه السلام از پدران و برادران و عموها و دائی‌ها و بستگان آنان که با خدا و رسول صلی الله علیه و آله او در جنگ و ستیز بودند تعداد بسیاری کشته بود، و این باعث دشمنی و کینه‌ی آنان شد، و دوست نداشتند امیر مؤمنان علیه السلام ولی

و رهبر آنان گردد و نسبت‌به غیر آن حضرت این احساس و دشمنی را نداشتند، زیرا غیر او در پیشگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و جهاد با دشمن مقام امیر مؤمنان را دارا نبود به همین جهت مردم از امیر مؤمنان دور شدند و به غیر او رو آوردند. (۵۷)

انگیزه¬ی اصلی مأمون برای تشکیل جلسات مناظره

مأمون پس از تحمیل مقام ولایتعهدی بر امام رضا علیه السلام در خراسان جلسات گسترده¬ی بحث و مناظره تشکیل داد، و از اکابر علمای زمان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، به این جلسات دعوت کرد.

بی شک پوشش ظاهری این دعوت اثبات و تبیین مقام والای امام علیه السلام در رشته¬های مختلف علوم و مکتب اسلام بود، اما در این که در زیر این پوشش ظاهری چه صورتی پنهان بود در میان محققان گفتگو است:

۱- گروهی که با بدبینی این مسائل را می¬نگرند- و حق دارند که بدبین باشند، چرا که اصل در تفسیر نگرش‌های سیاسی جباران بر بدبینی است- می¬گویند: مأمون هدفی جز این نداشت که به پندار خویش مقام امام علیه السلام را در انظار مردم، مخصوصاً ایرانیان که سخت به اهل بیت عصمت علیهم السلام علاقه داشتند و عشق می¬ورزیدند، پایین بیاورد، به گمان اینکه امام تنها به مسائل ساده¬ای از قرآن و حدیث آشناست و از فنون و علم و استدلال بی¬بهره است.

گروه فوق، برای اثبات این مدعا به گفتار خود مأمون که در متون اسلامی آمده است، استدلال می¬کنند. چنانکه در روایتی از نوفلی، یار نزدیک امام علیه السلام می¬خوانیم:

سلیمان مروزی، عالم مشهور علم کلام، در خطه¬ی خراسان نزد مأمون آمد. مأمون او را گرامی داشت و انعام فراوان داد. سپس به او گفت:

پسر عمویم علی بن موسی علیه السلام از حجاز نزد من آمده و او علم کلام (عقاید) و دانشمندان این علم را دوست دارد، اگر مایلی روز ترویه (روز هشتم ماه ذی‌الحجه)، (انتخاب این روز شاید برای اجتماع گروه بیشتری از علماء بوده است) نزد ما بیا و با او به بحث و مناظره بنشین.

سلیمان که به علم و دانش خود مغرور بود، گفت: ای امیرمؤمنان! من دوست ندارم از مثل او در مجلس تو در حضور جماعتی از بنی هاشم سؤال کنم، مبادا از عهده برنیاید و مقامش پایین آید، من نمی¬توانم سخن را با امثال او زیاد تعقیب کنم!

مأمون گفت: هدف من نیز چیزی جز این نیست که راه را بر او ببندی، چرا که من می¬دانم تو در علم و مناظره توانا هستی!

سلیمان گفت: اکنون که چنین است مانعی ندارد، در مجلسی از من و او دعوت کن و در این صورت مذمتی بر من نخواهد بود.(۵۸)

(این مناظره با قرار قبلی ترتیب یافت و امام علیه السلام در آن مجلس سلیمان را سخت در تنگنا قرار داد و تمام راه‌های جواب را بر او بست و ضعف و ناتوانی او را آشکار ساخت).

شاهد دیگر حدیثی است که از خود امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام نقل شده است. هنگامی که مأمون مجالس بحث و مناظره تشکیل می¬داد و شخصاً در مقابل مخالفان اهل بیت علیهم السلام به بحث می¬نشست و امامت امیرمؤمنان علی علیه السلام تقرب جوید، امام علیه السلام به افرادی از یارانش که مورد وثوق بودند، چنین فرمود:

«فریب سخنان او را نخورید، به خدا سوگند هیچ کس جز او مرا به قتل نمی-رساند، ولی چاره‌ای جز صبر ندارم تا دوران زندگیم به سر آید».(۵۹)

البته مأمون حق داشت که این گونه با کمال صراحت از مکتب امیرمومنان علی علیه السلام دفاع کند. زیرا از یک سو شعار نخستین حکومت عباسیان شعار «الرضا من آل محمد» بود و به برکت آن توانسته بودند روی کار آیند، و از سوی دیگر ستون فقرات لشگر و رجال حکومتش را ایرانیان تشکیل می¬دادند که عاشق مکتب اهل بیت علیهم السلام بودند و برای حفظ آن‌ها راهی جز این

نداشت.

به هر حال تغییرات امام علیه السلام در حدیث فوق به خوبی نشان می‌دهد که مأمون در برنامه‌هایش در مورد جلسات مناظره صداقتی نداشت، چنانکه ابوالصلت پیشکار امام، در این باره می‌گوید:

«... از آنجا که امام در میان مردم به علت فضائل و کمالات معنوی خود محبوبیت روز افزون می‌یافت، مأمون بر آن شد که علمای کلام را از هر نقطه‌ی کشور فرا خواند، تا در مباحثه، امام را به موضع عجز اندازد و بدین وسیله مقامش از نظر دانشمندان پایین بیاید، و عامه‌ی مردم نیز پی به کمبودهایش ببرند، ولی امام علیه السلام دشمنان خود- از یهودی، مسیحی، زردشتی، برهمن، صائبی، منکر خدا و — ... همه را در بحث محکوم نمود...»(۶۰)

جالب توجه آن که دربار مأمون پیوسته محل برگزاری این گونه مباحث بود، ولی پس از شهادت امام علیه السلام دیگر اثری از آن مجالس علمی و بحث‌های کلامی دیده نشد و این مسئله قابل دقت است.

خود امام علیه السلام هم که از قصد مأمون آگاهی داشت، می‌فرمود: هنگامی که من با اهل تورات به توراتشان، با اهل انجیل به انجیلشان، با اهل زبور به زبورشان، با ستاره پرستان به شیوه‌ی عبرانیشان، با موبدان به شیوه‌ی پارسشان، با رومیان به سبک خودشان، و با اهل بحث و گفتگو به زبان‌های خودشان استدلال کرده، همه را به تصدیق خود وادار کنم، مأمون خود خواهد فهمید که راه خطا را برگزیده، و یقیناً پشیمان خواهد شد...(۶۱)

و به این ترتیب نظر بدبینان در این زمینه کاملاً تقویت می‌شود.

۲- اگر از این انگیزه صرف‌نظر کنیم انگیزه‌ی دیگری که در اینجا جلب توجه می‌کند این است که مأمون می‌خواست مقام والای امام هشتم علیه السلام را تنها در بعد علمی منحصر کند، و تدریجاً او را از مسائل سیاسی کنار بزنند، و چنین نشان دهد که امام مرد عالمی است و پناهگاه امت اسلامی در مسائل علمی است، ولی او کاری با مسائل سیاسی ندارد و به این ترتیب شعار تفکیک دین از سیاست را عملی کند!

۳- انگیزه‌ی دیگری که در اینجا به نظر می‌رسد این است که همیشه سیاستمداران شیاد و کهنه کار اصرار دارند در مقطع‌های مختلف، سرگرمی‌هایی برای توده‌ی مردم درست کنند تا افکار عمومی را به این وسیله از مسائل اصلی جامعه و ضعف‌های حکومت خود منحرف سازند. او مایل بود که مسئله‌ی مناظره امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام با علمای بزرگ عصر و زمان خود نقل محافل و مجالس باشد، و همه‌ی علاقه‌مندان و عاشقان مکتب اهل بیت علیهم السلام در جلسات خود به این مسائل بپردازند و از پیروزی‌های امام در این مباحث سخن بگویند، و مأمون کارهای سیاسی خود را با خیال راحت دنبال کند، و پوششی بر نقاط ضعف حکومتش باشد.

۴- چهارمین انگیزه‌ای که در اینجا به نظر می‌رسد، این است که مأمون خود، آدم بی‌فضلی نبود، تمایل داشت به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه‌ی اسلامی معرفی گردد، و عشق او را به علم و دانش آن هم در محیط ایران خصوصاً و در محیط اسلام آن روز عموماً همگان باور کنند، و این یک امتیاز برای حکومت او باشد و از این طریق گروهی را به خود متوجه سازد.

از آنجا که این جلسات بحث و مناظره به هر حال قطعاً جنبه‌ی سیاسی داشت و مسائل سیاسی معمولاً تک علتی نیستند، هیچ مانعی ندارد که بگوییم احتمالاً همه‌ی انگیزه‌های چهارگانه برای مأمون مطرح بوده است.

در هر صورت با این انگیزه‌ها جلسات بحث و مناظرهٔ گسترده‌ای از سوی مأمون تشکیل شد، ولی چنان که خواهیم دید مأمون از این جلسات ناکام بیرون آمد، و نه تنها به هدفش نرسید، بلکه نتیجه‌ی معکوس گرفت.

اکنون با در نظر گرفتن این مقدمات به سراغ قسمتی از این جلسات بحث و مناظره می‌رویم، هر چند با کمال تأسف در متون تاریخ و حدیث گاهی جزئیات بحث‌هایی که رد و بدل شده اصلاً ذکر نگردیده، بلکه بسیار خلاصه شده است، و ای کاش امروز

همه آن جزئیات در اختیار ما بود تا بتوانیم به عمق سخنان امام علیه السلام پی ببریم و از زلال کوثر علمش بنوشیم و سیراب شویم (و این گونه کوتاهی‌ها و سهل انگاری‌ها در کار راویان حدیث، و ناقلان تاریخ کم نیست که تنها تأسفش امروز برای ما باقی مانده است)، ولی خوشبختانه قسمت‌هایی را مشروح نقل کرده‌اند که همان‌ها می¬تواند مشتی از خروار باشد.(۶۲)

احتجاج حضرت رضا علیه السلام با جاثلیق

حضرت رضا علیه السلام فرمود: ای نصرانی اگر به انجیل تو با شما احتجاج کنم به نبوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله اقرار می کنی؟.

گفت: مگر من می¬توانم مطالب انجیل را منکر شوم و یا آن را رد کنم، به خداوند سوگند هر چه در انجیل باشد قبول خواهم کرد ولو به ضرر من هم باشد.

امام رضا علیه السلام فرمود: اینک هر چه دلت می‌خواهد بپرس و جواب آن را بشنو، جاثلیق گفت: راجع به نبوت عیسی علیه السلام چه می¬گویی و در باره کتاب او چه نظری داری.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: من به نبوت عیسی علیه السلام و کتاب او اعتراف دارم، و از آنچه به ملت خود مژده داد و به مطالبی که حواریون آن حضرت ایمان و اقرار کردند ایمان دارم، و به نبوت هر عیسی که نبوت محمد صلی الله علیه و آله و کتاب او را انکار کند کافر هستم.

جاثلیق گفت: مگر احکام را در حضور دو شاهد عدل نباید القاء کرد و به آن قطع پیدا نمود.

فرمود: چرا چنین است.

جاثلیق گفت: پس اینک دو شاهد عادل از غیر ملت خود را انتخاب کن، این منتخبین را باید ملت نصاری بشناسند، و دو نفر نیز از طرف ما که نصرانی نباشند در این مورد داوری کنند، و ناظر بر گفته‌های ما باشند.

امام رضا علیه السلام فرمود: اکنون با انصاف سخن گفتی، آیا مرد عادلی که در نزد عیسی علیه السلام از همگان مقدم بود از طرف من به عنوان شاهد قبول می کنی؟

جاثلیق گفت: آن کیست؟

امام رضا علیه السلام فرمود: درباره یوحنا دیلمی نظرت چیست؟

عرض کرد: به به از نزدیک‌ترین دوستان مسیح علیه السلام سخن به میان آوردی.

فرمود: اکنون تو را سوگند می‌دهم که یوحنا نگفت عیسی علیه السلام مرا به دین محمد صلی الله علیه و آله عربی اطلاع داده و مرا مژده فرمود که محمد صلی الله علیه و آله بعد از وی ظهور می کند، و این مطلب را به حواریون خود نیز گفت، و آن‌ها به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آوردند.

جاثلیق گفت: یوحنا این مطلب را از مسیح علیه السلام نقل کرده و به نبوت یک مردی مژده داده است، و از اهل بیت و وصی آن پیغمبر نیز خبر داده، و لیکن وقت ظهور و خصوصیات دیگر او را بیان نکرده تا ما آن را بشناسیم.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: اگر کسی را بیاوریم و انجیل را بخواند و ذکر محمد و اهل بیت علیهم السلام و امت او را در انجیل به شما نشان دهد ایمان می‌آورید؟.

جاثلیق گفت: آری.

امام رضا علیه السلام به قسطاس رومی گفت: سفر ثالث انجیل را حفظ داری؟.

گفت: حفظ نکرده‌ام، در این هنگام متوجه رأس الجالوت شد، و فرمود: انجیل را می‌توانی بخوانی؟.

گفت: آری به جان خودم سوگند.

فرمود: پس سفر سوم آن را قرائت کن، و اگر در آن ذکر محمد و اهل بیت علیهم السلام و امت او هست گواهی دهید و اگر چنانچه گفته‌های من در آنجا نباشد گواهی ندهید.

در این هنگام حضرت رضا علیه السلام خودش سفر ثالث انجیل را قرائت کرد تا آنگاه که به نام حضرت رسول صلی الله علیه و آله رسید توقف کرد، و فرمود: ای نصرانی! به حق مسیح علیه السلام و مادرش تو را سوگند می‌دهم من عالم به انجیل هستم یا نه؟

گفت: آری.

سپس مطالب مربوط به حضرت رسول و اهل بیت علیهم السلام و امتش را قرائت کرد، و فرمود: ای نصرانی! در برابر قول مسیح علیه السلام چه می گوئی.

اگر انجیل را قبول نکنی، عیسی و موسی علیهما السلام را تکذیب کرده‌ای، و اگر منکر این دو شوی واجب القتل هستی، زیرا در این صورت پیغمبر و کتاب او را با خداوندی که او را مبعوث کرده کافر شده‌ای.

جاثلیق گفت: من به مطالب واضح انجیل ایمان دارم.

امام رضا علیه السلام فرمود: شما گواه باشید که وی به انجیل اقرار و اعتراف کرد، سپس روی خود را به طرف جاثلیق کرد و فرمود: اینک تو سؤال کن.

جاثلیق گفت: بفرمایید حواریون عیسی علیه السلام چند نفر بوده‌اند، و دانایان انجیل چند نفر می‌باشند؟.

امام رضا علیه السلام فرمود: «علی الخبیر سقطت»، حواریون عیسی علیه السلام دوازده نفر بودند که افضل و اعلم آنها «لوقا» بود؛ و اما علمای نصاری سه نفر بودند: یوحنا اکبر، دراج یوحنا در قرقیسا، و یوحنا دیلمی در زمان، و نام حضرت رسول و اهل بیت او و امتش در نزد او بوده است، و او امت عیسی علیه السلام را به ظهور آن حضرت مژده داد.

سپس فرمود: ای نصرانی به خداوند سوگند ما به آن عیسی علیه السلام ایمان داریم که به محمد صلی الله علیه و آله ایمان آورده باشد، و به عیسی علیه السلام شما از جهت ضعفی که در عبادت و روزه و نماز داشت اعتراض داریم.

جاثلیق گفت: علم و دانش خود را در مورد عیسی علیه السلام تباه کردی و خود را ناتوان در مورد عیسی علیه السلام نشان دادی، و من گمان می‌کردم امروز در میان ملت اسلام داناتر از شما کسی نیست.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: منظور چیست؟.

جاثلیق گفت: تو گفتی! عیسی علیه السلام مردی ضعیف بود و قدرت نداشت روزه بگیرد و نماز بخواند، در صورتی که عیسی علیه السلام همواره روزه داشت و شب هرگز به خواب نمی‌رفت، او همواره صائم الدهر و قائم اللیل بود.

امام رضا علیه السلام فرمود: اگر مطلب این طور است، پس عیسی علیه السلام برای که روزه می گرفت و نماز می¬خواند.

راوی گوید: در این هنگام جاثلیق دم فرو بست و نتوانست سخن بگوید.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: ای نصرانی اکنون از شما سؤالی می کنم.

گفت: سؤال کنید، اگر دانستم جواب می¬دهم.

امام علیه السلام فرمود: من مرده زنده کردن عیسی علیه السلام را منکر نشدم، و او به اذن خداوند مردگان را زنده می کرد.

جاثلیق گفت: تو قبلاً این موضوع را منکر شدی و فرمودی: کسی که مرده زنده کند و یا کر و کور و مبروص را شفا دهد، شایسته عبادت است چون این نوع کارها از افعال خداوند است.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: الیسع نیز مانند عیسی علیه السلام روی آب می‌رفت و مردگان را زنده می کرد و کوران را شفا می‌داد و امت او هرگز او را خدای خود نگرفتند و مورد پرستش قرار ندادند. و حزقیل نیز همین افعال را به جا می‌آورد و سی و پنج هزار نفر را در یک روز بعد از آنکه مرده بودند زنده کرد، فاصله بین زنده شدن تا روز مرگ آن‌ها شصت سال طول کشیده

بود.(۶۳)

فضیلت زیارت قبور صالحان

عمرو بن عثمان گوید، از حضرت رضا علیه السلام شنیدم می‌فرمود: هر کس توانائی ندارد به زیارت ما بیاید، باید به زیارت دوستان صالح ما برود، و خداوند ثواب زیارت ما را به او می‌دهد.(۶۴)

محمد بن احمد گوید با علی بن بلال در فید به زیارت محمد بن اسماعیل ابن بزیع رفتیم، علی بن بلال گفت: با صاحب این قبر نزد حضرت رضا علیه السلام رفتیم در ضمن گفتگو فرمود:

هر کس قبر برادر مؤمن را زیارت کند و دست خود را روی قبر بگذارد و انا انزلناه را هفت بار قرائت کند از عذاب روز قیامت در امان خواهد بود.(۶۵)

حضرت رضا علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که قبر برادر مؤمن خود را زیارت کند و هفت بار «انا انزلناه» را قرائت کند، خداوند متعال گناه او و صاحب قبر را می‌آمرزد.(۶۶)

فلسفه احکام

محمد بن سنان گوید: حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل من نوشت:

علت تشریع نماز این است که مردم با خواندن نماز به وحدانیت خداوند اقرار کنند، و دست از شرک و بت‌پرستی بردارند، و در برابر خداوند با خضوع و خشوع حاضر گردند و به گناهان خود معترف شوند، و از کرده‌های خود پشیمان گردند، و برای بزرگ داشت پروردگار هر روز پیشانی خود را بر زمین بگذارند، و همواره در یاد خداوند باشند و او را فراموش نکنند.

نمازگزار باید خاشع و فروتن باشد و از خداوند خیر دنیا و آخرت را بخواهد، و همواره در یاد خدا بوده و زبانش به ذکر پروردگار مشغول باشد و در شب و روز خدا را از یاد نبرد.

نماز از این جهت واجب شد که بندگان سید و سرور و خالق و مدبر خود را فراموش نکنند، و در نتیجه گرفتار طغیان و سرکشی نفس نگردند.

نمازگزاران اگر از روی بصیرت در حضور خداوند قیام کنند گرد معاصی و فساد نخواهند رفت.(۶۷)

علت وضو

فضل بن شاذان در ضمن روایاتی که از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده گوید:

اگر کسی بپرسد چرا مردم باید وضو بگیرند و برای چه این امر در اسلام واجب شده است؟

در جواب گفته می‌شود: برای اینکه هر گاه بنده‌ای می‌خواهد در مقابل خداوند قرار گیرد و با پروردگار مناجات کند باید پاک و پاکیزه باشد، و از چرک و کثافت خود را تمیز کند، و کسالت و سستی را از خود دور سازد، و با دل پاک و آرام در برابر خداوند قرار گیرد.

اگر کسی بگوید: چرا در وضو شستن دست، پا، سر و صورت واجب شد.

در پاسخ او گفته می‌شود: هر گاه بنده‌ای در برابر خداوند قرار گیرد اعضاء و جوارحی که از وی ظاهر می‌گردد همان‌ها هستند که در هنگام وضو شسته شده‌اند.

زیرا نمازگزار با چهره خود سجده می‌کند و خضوع و خشوع می‌نماید، و با دست خود از خداوند چیزی طلب می‌کند، و با سرش به

رکوع و سجود می‌رود، و با پاهایش برمی‌خیزد و می‌نشیند.
اگر کسی بگوید: چرا شستن فقط مخصوص دست و صورت شده و به سر و پا مسح مقرر شده است؟ و چرا نباید همه اعضاء و جوارح را شست، و یا همه را مسح کشید.
گفته می‌شود این دستورات روی علل و جهاتی انجام می‌گیرد:
یکی اینکه عبادت بزرگ رکوع و سجود است و رکوع و سجود با صورت و دست انجام می‌گیرد، و سر و پا در آن دخالت و ارتباطی ندارند، از این رو شستن آن‌ها لازم نشده است.
دوم اینکه مردم قدرت ندارند در هر وقت سر و پاهای خود را بشویند، و در هنگام سفر و یا سردی و یا کسالت و مرض بر آن‌ها شستن بسیار سخت می‌گردد و در شب و روز انجام آن مشکل می‌باشد، و لیکن شستن صورت و دست از آن سبک‌تر است.
فرائض و واجبات به اندازه استعداد ضعیف‌ترین مردم تشریع شده است، و بعد همه مردم از ضعیف و قوی و سالم و مریض باید آن دستورات را بکار بندند و به آن عمل نمایند.
سوم اینکه سر و پا همیشه اوقات مانند صورت و دست آشکار نیستند اگر کسی بگوید: چرا وضو فقط در صورت خروج بول و غائط و یا خواب واجب شده و در سایر اشیاء این امر مقرر نگردیده است؟
گفته می‌شود: که نجاست از انسان فقط از این دو محل خارج می¬گردد و در انسان جای دیگری که از آن نجاست بیرون گردد نیست، از این رو دستور داده شده که هر گاه از انسان نجاست بیرون شد باید وضوء گرفت.
و در مورد خواب نیز از این رو وضو واجب شده که هر گاه آدمی در خواب رود تمام اعضاء بدنش از اختیار او بیرون می‌شوند، و امکان دارد که هنگام خواب از وی بادی بیرون گردد، از این رو برای کسی که به خواب رفته بعد از بیدار شدن باید وضو بگیرد.(۶۸)

علت قرار دادن مهریه برای زنان

محمد بن سنان گوید: حضرت رضا علیه السلام در جواب مسائل من نوشت: علت وجوب مهر بر مردان و عدم وجوب آن بر زنان از این جهت است که هزینه زندگی در گردن مردان است، و نیز به جهت این است که زن در حقیقت خود را به مرد می‌فروشد و مرد خریدار آن است، و خرید و فروش بدون ثمن نمی‌باشد، علاوه بر اینکه زنان از معاملات و داد و ستد نیز ممنوع هستند.(۶۹)
محمد بن سنان گوید حضرت رضا علیه السلام فرمود: علت حج، رسیدن به حضور خداوند متعال و طلب رحمت و مغفرت و توبه کردن از گناهان می‌باشد. کسی که عازم بیت اللّه الحرام می‌گردد باید از گناهان گذشته توبه کند و در آینده گرد معاصی و ملاهی نرود و همواره در طلب ثواب و عبادت باشد، افرادی که به حج می‌روند مقداری از اموال خود را خرج می‌کنند و در سفر گرفتار رنج و مشقت می‌شوند.
کسانی که به زیارت خانه خدا مشرف می‌گردند باید گرد هوس‌ها و لذات جسمانی نروند، و همواره اوقات خود را به عبادت و پرستش بگذرانند و موجبات نزدیکی پروردگار را برای خود فراهم سازند، و پیوسته باید خضوع و خشوع داشته باشند.
در سرما و گرما در یاد خدا بوده و در هنگام ترس و خوف پروردگار را فراموش نکند و یا اظهار عدم رضایت از سفر نکند و با همراهان خود و سایر مردم با محبت و مهربانی رفتار کرده و ضرر و زیان به کسی نرساند و متوجه پروردگار باشد.
یکی از مواردی که باید حجاج آن را مراعات کنند این است که در هنگام حج قساوت قلب نداشته باشند و با همه مردم مهربانی کنند، و نیز باید خسیس نباشد و اگر مشاهده کردند که یک نفر احتیاج دارد به او برسند و از ضعفا حمایت کنند.
حجاج باید از همگان امید خود را قطع کنند، و آرزوهای دور و دراز را از خود دور نمایند، و خود را از گرایش به فساد باز دارند،

و حقوق همدیگر را مراعات نمایند، و منافع همه را در نظر بگیرند.

حجاج باید با تجار و بازرگانان و کسبه اصناف مکه به خوبی معامله کنند و به کسی ضرر و زیان نرسانند، و تا قدرت دارند از حاجتمندان دستگیری کنند و به مستمندان و فقرا رسیدگی نمایند، تا از این راه سودهای بزرگ معنوی ببرند و خدا و رسول را از خود راضی سازند.

حضرت رضا علیه السلام فرمود: علت اینکه خداوند یک بار حج را واجب کرده این است که خداوند واجبات را برای همه طبقات مسلمانان مقرر کرده است، و یکی از آن واجبات یک بار زیارت خانه خدا می‌باشد، و بعد ثروتمندان می‌توانند بیش از یک بار هم زیارت کنند.(۷۰)

حسین بن خالد گوید: خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم:

چرا خداوند متعال گناه حاجیان را تا چهار ماه آمرزیده است؟

فرمود: برای اینکه خداوند حرم را برای مشرکین مدت چهار ماه مباح کرد و فرمود: «فَسِیحُوا فِی الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» و از این رو گناه حجاج مؤمن را مدت چهار ماه می‌آمرزد و در نامه اعمال آنها نمی¬نویسد.(۷۱)

نتیجه

از مطالب فوق این نتیجه به دست می آید که باید در زندگانی خود امامان عصمت و طهارت را اسوه و الگوی خود قرار بدهیم و از خط و مشی امام رضا علیه السلام تبعیت و پیروی نماییم در تمام زندگانی تا به سعادت ابدی و اخروی برسیم. و چون ما محب اهل بیت علیهم السلام هستیم و قرآن هم می فرمایند: ای پیامبر به مردم بگو: مزد اجر و رسالتم را نمی خواهم مگر دوست داشتن خاندانم که همان اهل بیت هستند.

پی نوشت ها

- بحار الانوار/ ج ۴۹/ ص ۱۰ و اعلام الوری/ ج ۲/ ص ۴۰.

۲- بحار الانوار/ ج ۴۹/ ص ۱۰.

۳- همان/ ج ۴۹/ ص ۹.

۴- این سومین فرزند امام رضا علیه السلام است و مزار ایشان نزدیکی فرودگاه بین المللی اصفهان است.

۵ - حرم مطهر شاهزاده حسین، مشهورترین و با شکوهترین زیارتگاه قزوین و یکی از کهن¬ترین مشاهد متبرکهٔ ایران است. (اجساد جاویدان از ص ۸۳ تا ص ۸۹.

۶ - فرزندان امام رضا علیه السلام ص ۲۴- ۳۵ و کتاب اخبار و آثار امام رضا علیه السلام نوشتهٔ عزیزالله عطاردی ص ۲۱۷ تا ۲۱۹ و کتاب زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام نوشتهٔ عماد زاده ص ۱۱۱۳.

۷ - الارشاد/ ص ۳۰۴، بحارالانوار/ ج ۴۹/ ص ۲۹۸.

۸ - کشف الغمه، طبع بنی هاشمی تبریز/ج۳/ص۱۰۶؛ مناقب ابن شهر آشوب/ج۴/ص ۳۶۰.

۹ - نورالهدی غریب خراسان/ ص ۶۶-۶۷.

۱۰ - مناقب ابن شهر آشوب/ ج ۲/ ص ۴۱۲ طبع نجف؛ نورالهدی/ ص ۶۸-۶۸.

۱۱ - روضات الجنات/ ج ۴/ص ۱۷۹.

۱۲ - همان/ ص ۱۷۹ ، و عرفان حقیقی/ ص ۱۷۷.

۱۳ – ره توشه زائرین امام رضا علیه السلام / ص ۱۲–۱۳، نوشتهٔ سید مهدی شمس الدین.

۱۴ – تحف العقول/ ص ۴۶۳.

۱۵ – همان/ ص ۴۶۲.

۱۶ – بحار الانوار/ ج ۴۹/ ص ۱۰۳، و فروع کافی/ ج۶/ ص ۳۴۶.

۱۷ – همان/ ج ۴۹/ ص ۱۰۳ ، و فروع کافی/ ج۶/ ص ۳۴۶.

۱۸ – تحف العقول/ ص ۴۶۹.

۱۹ – منتهی الآمال/ ج۲/ ص ۴۹۱.

۲۰ – همان/ ج۲/ ص ۴۹۴.

۲۱ – انعام/۳۸.

۲۲ – قصص/ ۵۰.

۲۳ – غافر/.۳۵

۲۴ – اصول کافی/ ج ۲ /ص ۱۱۶، باب نادر جامع در فضل امامت و صفات آن.

۲۵ – امالی/ صدوق، مجلس ۲۷/ ح۵/ ص ۱۲۹ ، عیون اخبارالرّضا علیه السلام / ج۱/ ص ۲۳۳ /باب ۲۸/ ح ۵۸ ، بحار الانوار/ ج۴۴/ ص ۲۸۵/ ح ۲۳، و وسائل الشیعه/ ج۱۴/ ح۵/ ص ۵۰۲.

۲۶ – مستدرک الوسائل/ ج ۱۰/ ص ۲۵۰/ ح۳۸.

۲۷ – وسائل الشّیعه/ ج ۲۱/ ص ۴۶۰/ ح ۲۷۵۸۰.

۲۸ – بحارالا نوار/ ج ۲/ ص ۳۰/ ح۱۳.

۲۹ – جامع الا خبار/ ص ۵۹، بحارالا نوار/ ج ۹۱/ ص ۴۷/ ح ۲.

۳۰ – بحارالا نوار/ ج ۷۸/ ص ۱۸۳، ح ۳۵/ ثواب الاعمال/ ص ۱۷۵.

۳۱ – محاسن برقی/ ص ۴۲۲/ ح ۲۰۸.

۳۲ – مستدرک الوسائل/ ج ۱۵/ ص ۳۵۸، ح ۸.

۳۳ – جامع احادیث الشّیعه/ ج ۱/ ص۱۷۱/ ح ۲۳۴، بحار/ ج ۶۵/ ص ۱۶۷/ ح ۲۴.

۳۴ – وسائل الشّیعه/ ج ۱۴/ ص ۵۰۲/ ح ۱۹۶۹۳.

۳۵ – امالی شیخ طوسی/ ص ۸۲ ، مستدرک الوسائل/ ج ۶/ ص ۱۸۸/ ح ۱.

۳۶ – وسائل الشّیعه/ ج ۶/ ص ۴۹۷/ ح ۶۵۳۳.

۳۷ – اصول کافی/ ج ۲/ ص ۱۶۰/ ح ۴ ، وسائل الشّیعه/ ج ۱۶/ ص ۳۷۲/ ح ۶.

۳۸ – من لا یحضره الفقیه/ ج ۱/ ص ۱۱۵/ ح ۵۴۱، وسائل الشیعه/ ج ۳/ ص۲۲۷/ ح ۳۴۷۹.

۳۹ – الکافی/ ج ۵/ ص ۲۶۰/ ح ۵.

۴۰ – عیون اخبارالرّضا علیه السلام / ج ۱/ ص ۲۹۹/ ح۵۷.

۴۱ – کامل الزیارات/ ص ۹۲۵.

۴۲ – بحار الانوار/ ج ۴۹/ ص ۹۹ .

۴۳ – طب الرّضا علیه السلام و زندگانی چهارده معصوم عماد زاده/ صص ۱۰۸۲– ۱۰۸۵.

۴۴ – امروز (روز عیـد غدیر خم)، دین شـما را به کمال رسانیدم و بر شـما نعمت تمام کردم و بهترین آیین را که اسـلام است برای

شما برگزیدم مائده / ۳.

۴۵ – بقره/ ۱۲۴.

۴۶ – انبیاء / ۷۲و۷۳.

۴۷ – نزدیک ترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی کنند این پیامبر و امتش که اهل ایمانند و خدا ولی مؤمنان است ؛ آل عمران آیه ۶۸.

۴۸ – آل عمران / ۶۸.

۴۹ – و آنان که به مقام علم و ایمان رسیده اند به آن فرقه بدکار گویند: شما تا قیامت که هم امروز است، در عالم علم خدا مهلت یافتید. روم/ ۵۶.

۵۰ – امامت، ۱۲۶–۱۲۲.

۵۱ – مسند الامام الرضا علیه السلام /ج ۱/ ص ۴۷– ۱۰.

۵۲ – همان / ج ۱/ ص ۲۲۷.

۵۳ – همان / ج ۱/ ص ۲۵۸.

۵۴ – همان / ج ۱/ ص ۲۵۸.

۵۵ – همان /ج ۱/ ص ۲۸۵.

۵۶ – همان / ج ۱/ ص ۳۱۵.

۵۷ – عیون اخبار الرضا علیه السلام /ج ۲/ ص ۸۱.

۵۸ – همان /ج ۱/ ص ۱۷۹، بحارالانوار/ ج۴۹/ ص ۱۷۷.

۵۹ – همان /ج۲/ ص ۱۸۵، بحار الانوار/ ج۴۹/ ص ۱۸۹.

۶۰ – همان / ج۲/ ص ۲۳۹، بحار الانوار/ ج۴۹/ ص ۲۹۰.

۶۱ – بحارالانوار/ ج ۴۹/ ص ۱۷۵، مسندالامام الرضا علیه السلام /ج۲/ ص ۷۵.

۶۲ – سیره¬ی پیشوایان/ ص ۵۱۱ – ۵۱۵.

۶۳ – اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام / ص ۶۰۰ –۶۰۴.

۶۴ – همان/ ص ۶۸۹.

۶۵ – همان / ص۶۸۹.

۶۶ – همان/ ص ۶۸۹.

۶۷ – همان/ ص ۶۵۸.

۶۸ – اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام / ص ۶۵۶ و ۶۵۷.

۶۹ – همان / ص ۶۹۲.

۷۰ – همان / ص ۶۷۸–۶۷۹ .

۷۱ – همان / ص ۶۷۹.

منابع و مآخذ

بحار الانوار/ بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمهالأطهار/ علامه مجلسی،۴۲جلدی، ناشر: اسلامیه/ مکان چاپ: تهران/سال چاپ: مختلف.

إعلام الوری بأعلام الهدی/ شیخ طبرسی/ ناشر: اسلامیه/مکان چاپ: تهران/سال چاپ: ۱۳۹۰ ق/نوبت چاپ: سوم

اجساد جاویدان/ علی اکبر مهدی پور.

اخبار و آثار امام رضا علیه السلام/ عزیز الله عطاردی/ ناشر: انتشارات کتابخانه صدر/مکان چاپ: تهران/سال چاپ: ۱۳۹۷ ق/نوبت چاپ: اول

زندگانی چهارده معصوم علیهم السلام، نوشتهٔ عماد زاده/

الارشاد/ الإرشاد فی معرفهٔ حجج الله علی العباد/ شیخ مفید/ ناشر: کنگره شیخ مفید/ مکان چاپ: قم/ سال چاپ: ۱۴۱۳ ق/ نوبت چاپ: اول

کشف الغمه فی معرفه الأئمه/ محدث اربلی/ ناشر: بنی هاشمی/ مکان چاپ: تبریز/ سال چاپ: ۱۳۸۱ ق/ نوبت چاپ: اول طبع بنی هاشمی تبریز

نورالهدی/ غریب خراسان/ سید غبدالرزاق مقرم/ مترجم: فهیم کرمانی.

عرفان حقیقی/ حسین فقهی/

تحف العقول / ابن شعبه حرانی /ترجمه صادق حسن زاده/ ناشر: انتشارات آل علی علیه السلام/ مکان چاپ: قم/ سال چاپ: ۱۳۸۲ ش/ نوبت چاپ: اول

فروع کافی/ محمد بن یعقوب کلینی/ ناشر: کتاب فروشی علمیه اسلامیه/مکان چاپ: تهران/ نوبت چاپ: اول

منتهی الآمال / شیخ عباس قمی/ انتشارات هجرت/ چاپ دهم/ ۱۳۷۸ش.

امالی/شیخ صدوق / مترجم: کریم فیضی/ انتشاراتوحدت بخش / چاپ اول / بهار ۱۳۸۴ش.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل/ میرزا حسین نوری/ موسسه آل البیت لاحیاء التراث/ طبع دوم/ ۱۴۰۹ه.ق.

وسائل الشیعه / محدث عاملی/ ناشر: آل البیت/ مکان چاپ: قم/ سال چاپ: ۱۴۰۹ ق/ نوبت چاپ: اول.

عیون اخبارالرّضا علیه السلام / شیخ صدوق/ ترجمه غفاری و مستفید/ ناشر: نشر صدوق/مکان چاپ: تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۲ ش/ نوبت چاپ: اول

ثواب الاعمال و عقاب الاعمال/ شیخ صدوق/ مترجم: ابراهیم محدث بندرریگی/ ناشر: انتشارات اخلاق/ مکان چاپ: قم/ سال چاپ: ۱۳۷۹ ش / نوبت چاپ: سوم

جامع الا خبار / تاج الدین شعیری/ ناشر: انتشارات رضی/ مکان چاپ: قم / سال چاپ: ۱۴۰۵ ق/ نوبت چاپ: اول.

محاسن برقی/ ابو جعفر، احمد بن محمد بن خالد/ ناشر: دار الکتب الإسلامیه/ تاریخ نشر: ۱۳۷۱ ه ق/ نوبت چاپ: دوم/ مکان چاپ: قم – ایران

جامع احادیث الشّیعه/ آقا حسین طباطبایی بروجردی/ ۳۱جلدی/ ناشر: انتشارات فرهنگ سبز/ تاریخ نشر: ۱۴۲۹ ه ق/ نوبت چاپ: اول/ مکان چاپ: تهران– ایران

امالی/ شیخ طوسی/ مترجم: صادق حسن زاده/ انتشارات اندیشه هادی/ چاپ اول/۱۳۸۸ش.

من لا یحضره الفقیه/ شیخ صدوق/ ناشر: نشر صدوق/ مکان چاپ: تهران/ سال چاپ: ۱۳۶۷ ش/ نوبت چاپ: اول.

کامل الزیارات/ ابن قولویه/ ترجمه سید محمد جواد ذهنی تهرانی/ ناشر: انتشارات پیام حق/ مکان چاپ: تهران/ سال چاپ: ۱۳۷۷ ش/ نوبت چاپ: اول

طب الرّضا علیه السلام / نصیر الدین امیر صادقی/ ناشر: انتشارات معراجی/ مکان چاپ: تهران/ سال چاپ: ۱۳۸۱ ش/ نوبت چاپ: ششم

مسند الامام الرضا علیه السلام/ عزیز الله عطاردی/ ناشر: آستان قدس(کنگره)/ مکان چاپ: مشهد/ سال چاپ: ۱۴۰۶ ق/ نوبت چاپ: اول
سیره¬ی پیشوایان/ مهدی پیشوایی/ انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام/ چاپ پانزدهم/ پاییز ۱۳۸۲ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.
از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹